

## بررسی توانمندی زنان در مدیریت اجرایی روستا (نمونه مورد مطالعه روستای سربالا، شهرستان تربت حیدریه)

خدیدجه بوذرجمهری، خدیدجه جوانی، علیرضا بستانی

۱- دانشیار رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

*azar1334@gmail.com*

۲- دانشجوی دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

*Kh\_javani2000@yahoo.com*

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

### چکیده

با اصلاح قانون وظایف، تشکیلات و انتخابات شوراهای اسلامی در سال ۱۳۸۲، تجربه اجرایی جدیدی در عرصه مدیریت روستایی شکل گرفت که همان راه اندازی دهیارها بود. با تاسیس دهیاری ها علاوه بر شورای روستا به عنوان قانون گذار و تصویب کننده برنامه های عمران روستایی، مدیریت اجرایی امور روستا نیز به عهده دهیارها گذاشته شده است. به طور رسمی، برای اولین بار در کشور زنان روستایی از طریق حضور در شوراهای روستا در مدیریت روستایی مشارکت کردند. بی تردید حضور و مشارکت واقعی زنان در گروه توانمندی آنها است و توانمندسازی زنان مقدمه لازم برای حضور آنها در جریان توسعه است. هدف این مقاله که در آن بخشی از اطلاعات تحقیق وسیع تری ارائه شده، معطوف به شناخت و بررسی توانایی های زنان در مدیریت اجرایی روستاست. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مردم روستا به مدیر اجرایی خود اعتماد و رضایت داشته و دهیار را به عنوان شخصی که باعث پیشرفت روستا شده است می ستایند به طوری که از سال ۱۳۸۴ تا کنون سمت مدیریت اجرایی روستا به دست زنان توانمند اجرا می شود. بر طبق نتایج تحقیق دهیار در بعد اجتماعی، محیطی و کالبدی دارای توانمندی های قابل قبولی بوده است به طوری که رضایت پاسخگویان نمونه جامعه از گویه های رضایت کل از عملکرد دهیار، میزان هماهنگی با شورا و جلب مشارکت اهالی در امر جمع آوری زباله به ترتیب با میانگین ۴/۵۹، ۴/۹۳/۸۶ به طور خوب می باشد. مردم اذعان داشتن تلاشهای دهیار برای زیبا سازی و اجرای طرح هادی قابل تقدیر می باشد و جنسیت و زن بودن هیچ مانعی برای پیگیری و جلب مشارکت مردم در اجرایی طرح هادی نداشته است. واژگان کلیدی: دهیار، توانمندی، زنان، مدیریت اجرایی، شهرستان تربت حیدریه

یکی از محورهای اساسی در تحلیل مسائل روستایی، توجه به ساختار مدیریت در این جوامع است (طالب، ۱۳۷۱: ۲۰). روستا کوچکترین واحد سیاسی و اجتماعی در تقسیمات کشوری محسوب می‌شود و بدیهی است این واحد اجتماعی (روستا) به لحاظ وجود مناسبات اجتماعی، اقتصادی و پایبند بودن افراد به قوانین عرفی و مدنی نمی‌تواند از تشکیلات سازمان مدیریتی بی‌نیاز باشد از این رو، یکی از محورهای اساسی در تحلیل مسائل روستایی، توجه به ساختار مدیریت در این جوامع است. نظام مدیریت روستایی ایران طی سالیان طولانی به لحاظ ساختارهای اجتماعی تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته است. خلاء مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها در تمامی این ادوار به خصوص از دهه ۱۳۴۰ به این سو و حتی در دهه‌های اخیر، مشکلات عدیده‌ای را برای روستاییان ایجاد کرده است. اگرچه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تشکیلاتی تحت عنوان شورای اسلامی، خانه همیار، دفتر عمران روستایی و مانند این‌ها در روستاها شکل گرفتند، ولی به دلیل نداشتن زمینه‌های لازم و سازمانهای اجرایی مرتبط توفیق مطلوبی به دست نیاوردند. به دلیل این نابسامانی‌ها در سال ۱۳۷۷ «قانون تأسیس دهیارهای خود کفا در روستاهای کشور» به تصویب رسید (مهدوی و نجفی کانی، ۱۳۸۴: ۲۱). با اصلاح قانون وظایف، تشکیلات و انتخابات شوراهای اسلامی در سال ۱۳۸۲، تجربه اجرایی جدیدی در عرصه مدیریت روستایی شکل گرفت که همان راه اندازی دهیارها بود. این نهاد اجرایی و مدیریتی جدید که در روستاها زیر نظر شورای اسلامی فعالیت می‌کنند وظایف متعدد خدماتی و عمرانی را بر عهده دارند. دهیاری‌ها با توجه به موقعیت محل و با درخواست اهالی، از سوی شورا برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند و به صورت خودکفا با شخصیت حقوقی مستقل همانند شهرداریها به عنوان نهاد عمومی غیر دولتی مشغول کار می‌شوند. تأسیس دهیاری در روستاها را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ مدیریت روستایی به شمار آورد. با تأسیس دهیاری‌ها علاوه بر شورای روستا به عنوان قانون‌گذار و تصویب‌کننده برنامه‌های عمران روستایی، مدیریت اجرایی امور روستا نیز به عهده دهیارها گذاشته شده است (سازمان دهیاری‌های وزارت کشور، ۱۳۸۴).

به طور رسمی، برای اولین بار در کشور زنان روستایی از طریق حضور در شوراهای روستا در مدیریت روستایی مشارکت کردند. بر اساس اطلاعات سازمان دهیاری کشور در دوره دوم (سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۶)، ۲۱۶۸۱ دهیاری دارای مجوز آغاز به کار کردند که از این بین ۵۴۸ دهیاری با مدیریت زنان اداره می‌شود (۲/۵ درصد از کل دهیاران)<sup>۱</sup>. سرشماری سال ۱۳۹۰ حاکی از آن است که از کل جمعیت ساکن در مناطق روستایی کشور حدود ۴۹ درصد یعنی نزدیک به نیمی از جمعیت روستاهای کشور را زنان تشکیل می‌دهند که ۶۹ درصد آنها باسوادند و ۴۲ درصد از آنها در فعالیت‌های اقتصادی به کار می‌پردازند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). با این حال، سهم زنان در مدیریت و به ویژه مدیریت اجرایی روستا اندک است به طوری که تنها ۱/۲ درصد از اعضای شوراهای اسلامی روستا و ۲/۵ درصد از دهیاران روستاهای کشور را زنان تشکیل می‌دهند (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، ۱۳۹۰). گرچه براساس گزارش مرکز امور زنان و خانواده (۱۳۸۶) و همچنین پژوهش ایمانی جاجرمی و کریمی (۱۳۸۸) نسبت حضور زنان در شوراهای اسلامی روستا در هر دوره در قیاس با دوره پیشین افزایش اندکی داشته است.

بر اساس گزارش توسعه انسانی (UNDP, 2009) مقایسه شاخص‌های توانمندسازی زنان در ایران با کشورهای توسعه یافته و همسایگان مسلمان و غیر مسلمان حکایت از سطح پایین بهره‌مندی زنان از فرصت‌های شغلی کشور دارد. این گزارش

۱- بر اساس اطلاعات سازمان دهیاری‌های کشور زنان در دوره اول (۱۳۸۶-۱۳۸۲) سهم یک درصدی در دهیاری روستاها داشتند.

تأیید کننده حضور بسیار کم‌رنگ زنان در سطوح میانی مدیریت اجرایی کشور است (استانداری، معاونت وزارت، معاونت نهادها و سازمان‌ها) است.

بررسی‌ها درباره دلایل دست نیافتن زنان به پست‌های مدیریتی، با وجود داشتن توانایی در این زمینه؛ مشخص می‌سازند که شرایط ساختاری - اجتماعی و همچنین نقش زنان در خانواده، همراه کلیشه‌های زنانگی مهمترین مانع به شمار می‌آیند. شادی طلب (۱۳۷۷) در مطالعه خود تأکید می‌کند که افزایش مشارکت زنان ایران در کمیته چندان همپای ارتقای آنها در کیفیت و دستیابی به پایگاه‌های مدیریتی نیست، به نحوی که برابری فرصت‌های اشتغال کماکان گویی دست‌نیافتنی است. زاهدی (۱۳۸۷) در تحقیقات خود درباره گماشته نشدن زنان در پست‌های مدیریتی اذعان می‌دارد که هنجارهای فرهنگی و ارزش‌ها و باورهای غالب در جامعه، به خصوص نگرش جنسیتی مهم‌ترین موانع بر سر راه مدیریت زنان هستند. یافته‌های حاصل از پژوهش‌ها در زمینه موانع دستیابی زنان به پست‌های مدیریتی (بگ‌رضایی، ۱۳۸۶؛ میرغفوری، ۱۳۸۵؛ سروش مهر و همکاران، ۱۳۸۹؛ *Farhangi et al., 2004*) حاکی از آن‌اند که حضور نداشتن زنان پست‌های مدیریتی بیشتر ناشی از عوامل نگرشی و شرایط فرهنگی - اجتماعی است.

در واقع در برخی از جوامع مانند جامعه روستایی ایران گرچه زنان همواره بخشی از فعالیت‌های خارج از فضای خصوصی را برعهده داشتند و حضور آنان در فرایند تولید محصولات کشاورزی کاملاً بارز بوده است ولی یافته‌های پژوهشی شادی طلب (۱۳۷۵) نشان می‌دهد مردان روستایی زنان خود را در صورتی شاغل معرفی می‌کنند که در فضای عمومی و در خارج از واحد کشاورزی به کار مشغول باشند. نتایج تحقیقات درباره مشارکت زنان در امور روستا (گودرزی ۱۳۸۵؛ صفرشالی ۱۳۸۷؛ وثوقی و آقابین ۱۳۸۴؛ ویسی و بادسار ۱۳۸۴) نیز حاکی از آن است که وضعیت اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی موجود در جامعه روستایی از مهم‌ترین عوامل حضور و مشارکت زنان روستایی به شمار می‌آید؛ و مطابق فرهنگ سنتی روستا، اجازه و موافقت مردان برای انجام هرگونه فعالیت زنان ضروری است. در واقع کلیشه‌های جنسیتی حاکم، به ویژه در مردان در مورد نقش مادری و همسری زنان، مشخصاً در محیط روستایی از مهمترین عوامل تأثیر گذار بر فعالیت‌های مشارکتی زنان در عرصه عمومی است.

اکنون پس از گذشت سال‌ها، نقش زنان در روستاهای ایران به عنوان کارکنان خویشاوندی بدون مزد، جای خود را به حضور زنان در عرصه عمومی فعالیت اجتماعی و مهم‌تر از همه مشارکت در حیطه مدیریت اجرایی است. همانطور که (شادی طلب و خانجانی‌نژاد، ۱۳۹۱) در بررسی خود در رابطه با نگرش روستاییان به توانایی‌های زنان در مدیریت اجرایی روستا حاکی از آن‌اند که تفکیک جنسیتی بازی‌های بچه‌گانه، تفکیک جنسیتی رفتار، ایفای نقش‌های جنسیتی، آموزش متناسب با جنس، تقسیم کار جنسیتی و همچنین جنسیتی بودن صفات مدیریتی و سن و تحصیلات، دارای رابطه معنی دار با نگرش پاسنخگویان به توانایی زنان در مدیریت اجرایی روستاست.

امروزه نقش زنان روستایی، به عنوان اهرم‌های مهم و نیروهای پیش برنده‌ی جامعه روستایی، بسیار حائز اهمیت است زیرا زنان روستایی به عنوان یکی از عناصر مهم در اقتصاد روستایی محسوب می‌شوند و سهمی قابل ملاحظه از نیروی کار خانوار را، به صورت مستقیم و غیر مستقیم، به خود اختصاص داده‌اند (مشیری و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۹). زنان یک منبع انسانی مهم در کشورها هستند و هر کشوری بایستی جهت به کارگیری آنان به عنوان واسطه‌ای برای رشد و توسعه‌ی اقتصادی تلاش کند (*Kumbhar, 2013: 191*). بی تردید حضور و مشارکت واقعی زنان در گرو توانمندی آن‌ها است و توانمندسازی زنان مقدمه‌ی لازم برای حضور آن‌ها در جریان توسعه است (سعدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۸). بدین ترتیب، توانمندی زنان در مدیریت اجرایی مسائل روستایی در چه میزان است؟

هدف این مقاله که در آن بخشی از اطلاعات تحقیق وسیع تری ارائه شده، معطوف به شناخت و بررسی توانایی‌های زنان در مدیریت اجرایی روستاست.

## ۲- چارچوب نظری تحقیق

کمیته زنان انجمن توسعه بین‌المللی چند دهه بعد از پایان جنگ جهانی دوم، برای نخستین بار کوشیدند نشان دهند که چگونه در کشورهای عقب مانده زنان به مثابه مشارکت کنندگان و بهره‌مندان از فرایند توسعه از نتایج آن به دور نگه داشته شده‌اند (شادی طلب، ۱۳۷۹: ۴). پس از آن، با «دیدگاه جنسیت و توسعه» و تأکید بر ساخت اجتماعی و سپردن نقش‌های اجتماعی و مسئولیت‌ها به زنان و مردان و انتظارات مشخص جامعه از آنها، ماهیت مشارکت زنان در محیط فعالیت اعم از درون خانه و بیرون آن- تحلیل می‌گردد.

در فرایند توسعه در اواخر قرن بیستم، چشم‌انداز تازه‌ای در مطالعات فرهنگی گشوده شد و به طور کلی بازنمایاندن زنان به شیوه‌ای ناعادلانه و استثماری در فرهنگ عمومی، مورد نقد قرار گرفت. به نظر فمینیست‌ها در فرهنگ توده‌ای امروز، زنان به عنوان ابژه یا موجودی ابزاری و حاشیه‌ای بازنمایانده می‌شوند. فرهنگ مدرن به بازتولید تقسیم کار جنسیتی رایج در جامعه می‌پردازد و سرنوشت زن را به عنوان همسر یا مادر یا خانه‌دار رقم می‌زند (رفعت جاه، ۱۳۸۳: ۹۲-۹۱). پژوهشگران فمینیست با تحقیقات شان وجود تبعیض بر ضد زنان و برخورد متفاوت با آنان را نشان داده‌اند و همین را زمینه ساز شکل‌گیری جایگاه فرودست زنان در جامعه برشمرده‌اند (آبوت و والاس، ۱۳۸۱: ۲۱۳).

به دنبال انتقاداتی که در رابطه با تبعیض بر ضد زنان و جایگاه آنان داشتند؛ در دهه‌ی ۱۹۷۰، زنان به عنوان نیروهای فعال اقتصادی مطرح شدند و در مطالعات مختلف، حلقه‌ی اتصال زنان با توسعه را، فرایندی به نام توانمندسازی زنان دانسته‌اند (شاهکوهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۸). افراد مختلف تعاریف متعددی از توانمندی ارائه داده‌اند، با این حال ۴ جنبه از تعاریف در ادبیات توانمندسازی زنان پذیرفته شده است، اولین تعریف از ناتوان شدن زنان سخن می‌گوید یعنی زنان به عنوان یک گروه، نسبت به مردان ناتوان شده‌اند، تعریف دوم: توانمندی نمی‌تواند توسط یک شخص ثالث به دیگران عطا شود، بلکه خود کسانی که قرار است توانمند شوند بایستی آن را ادعا کنند. بنابراین سازمان‌های توسعه‌ای نمی‌توانند باعث توانمندی زنان شوند بلکه فقط می‌توانند توانمندسازی را برای زنان تسهیل کنند و آن‌ها فقط قادر به ایجاد شرایط مطلوب برای توانمندسازی زنان می‌باشند. سوم، تعاریف توانمندسازی معمولاً شامل احساس مردم در تصمیم‌گیری در مورد مسائلی که در زندگی آن‌ها مهم است و قادر به انجام آن‌ها هستند، می‌باشد که می‌توانند به صورت فردی یا گروهی باشد و بنا بر شواهد موجود، اگرچه تمایلات زنان برای توانمندسازی بیشتر در سطح گروهی است اما جهت‌گیری مداخلات توسعه توانمندسازی اغلب بیشتر در سطح فردی متمرکز و در نهایت توانمندسازی یک فرایند مستمر است و در آن هیچ هدف نهایی وجود ندارد، ممکن است فردی در یک مرحله توانمند شود یا ناتوان، نسبت به دیگران در نظر گرفته شود یا خیر، اما مهم این است که توانمندی نسبت به خود فرد و گذشته‌ی فرد در نظر گرفته شده و سنجیده شود (Bansal & Kumar, 2011: 1) به نقل از احمدی و مقدم، ۱۳۹۲).

واژه توانمندی در فرهنگ نامه‌های سیاسی به معنی قدرت مندی و در فرهنگ نامه‌های اجتماعی معادل توانمندی، توانا سازی و توانمندسازی بکار رفته است. این مفهوم در بردارنده معانی زیر است:

- شناخت تبعیض‌های جنسیتی و برابری در توزیع و دسترسی به منابع زنان که اب مفهوم خود اتکایی متفاوت است.
- روند افزایش توان ظرفیت زنان توسط خود آنان است (بی‌نا، ۱۳۸۳: ۳۲).

برابر تعریف فمینیست‌ها، توانمندسازی زنان عبارتند از تغییر در روابط پدر سالاری و اعتراض به آن، بر این اساس مردان و زنان باید از نقش‌های سنتی خود دست بکشند و پدر سالاری باید از تمام سطوح خانواده خارج شود (Manger, 2003:577). به عبارت دیگر توانمند سازی فرایندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی انجام دهند که باعث تسلط آنها در تعیین سرنوشت خود شود. واژه توانمند سازی به مفهوم غلبه بر نابرابری های بنیانی است (OCED, 1998:25)

برای ارزیابی توانمند زنان معیارهایی در نظر گرفته شده است که در حقیقت این معیارها بدین جهت مطرح شده‌اند که ابزار مناسب و ساده‌ای در دست برنامه ریزان، مجریان برنامه و پروژه‌های توسعه‌ای زنان باشد تا با آگاهی و حساسیت بیشتری نسبت به نقش و اثرات پروژه ها بر روی زنان و بالعکس را سنجیده و نهایتاً احتمال موفقیت پروژه‌ها را افزایش دهند، معیارهای توانمندسازی پنج مرحله برابری را نشان می‌دهند این پنج معیار عبارتند از:

۱- رفاه ۲- دسترسی ۳- آگاهی ۴- مشارکت ۵- کنترل (لانگه، ۱۳۷۲: ۲۳).

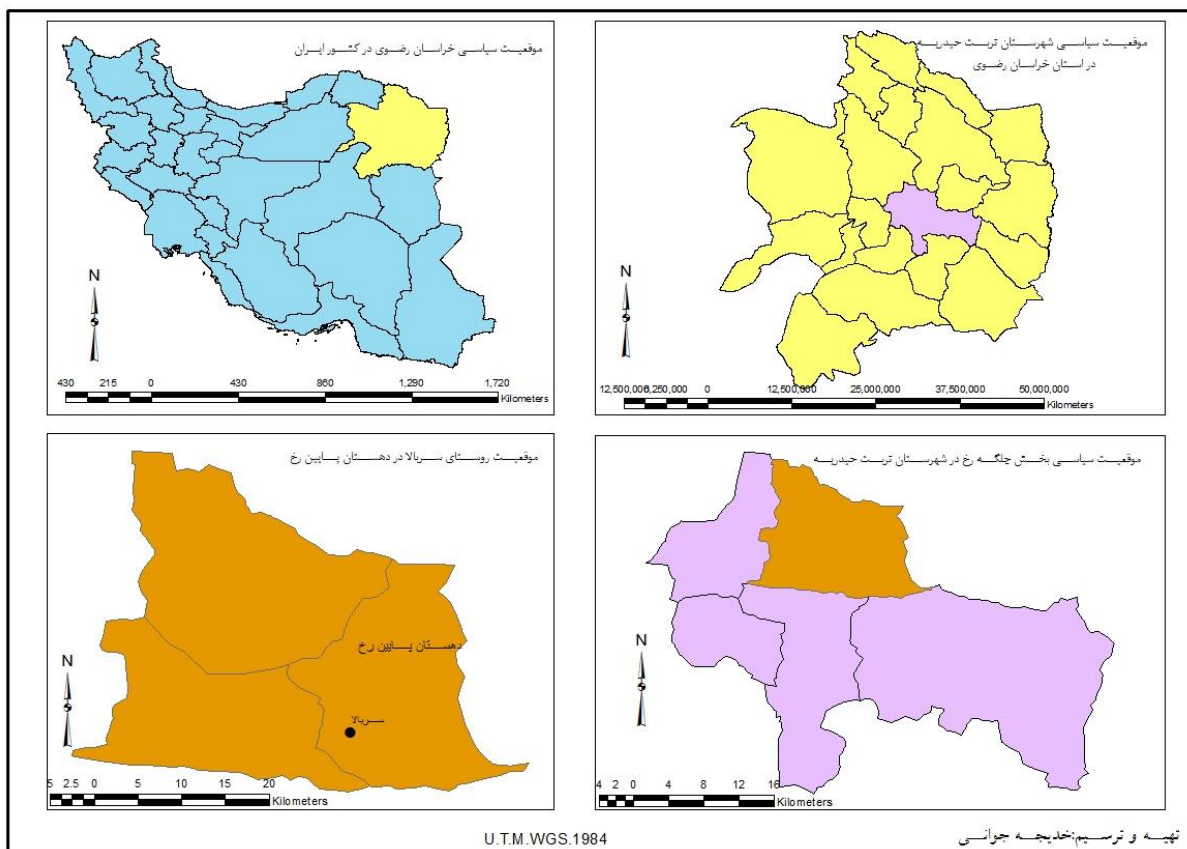
### ۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی است که در آن علاوه بر انجام مطالعات کتابخانه ای و استفاده از گزارش‌ها، سالنامه‌ها و سایر منابع اطلاعاتی، برای جمع‌آوری داده‌ها از مطالعات پیمایشی استفاده از پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده نیز بهره گرفته شده است. ۴۲۲ خانوار (۱۶۸۸ نفر) ساکن روستای سربالا جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهد که از این تعداد ۸۰ نفر از طریق نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها وارد کامپیوتر شد و با استفاده از نرم افزار SPSS و روش کرونباخ آلفا، اعتبار پرسشنامه به میزان ۰/۶۵ بدست آمد. صاحب‌نظران، ضریب اعتبار بین ۰/۵ تا ۰/۸ را برای تحقیقات غیر تجربی قابل قبول می‌دانند (Pedhazur, 1982) به نقل از جوانی، ۱۳۸۹، ص. ۶۸). در تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمارهای توصیفی مثل فراوانی، درصد، انحراف معیار و میانگین بهره‌گرفته شده است.

### ۴- منطقه مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه واقع در دهستان پایین رخ در بخش جلگه رخ شهرستان تربت‌حیدریه واقع شده است. این روستا از نظر موقعیت توپوگرافی در قسمت کوهپایه‌ای شهرستان تربت حیدریه واقع شده است. روستای مذکور از طرف ضلع شرقی با روستای مختاری، از طرف شمال با محدوده اراضی زراعی و دشت، از سمت غرب با روستای نوری و از سمت جنوب با کوههای مشرف به افغانستان محدود می‌گردد. جمعیت روستای سربالا بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ معادل ۱۶۸۸ نفر در قالب ۴۲۴ خانوار سرشماری گردیده است. (مراجعه به نقشه شماره ۱)

نقشه شماره ۱: موقعیت سیاسی محدوده مورد مطالعه



منبع: توسط نگارنده با استفاده از GIS

## ۵- یافته‌های تحقیق

برای بررسی توانمندی زنان در مدیریت اجرایی (دهیار)، در روستایی سربالا که از سال ۱۳۸۶ تا کنون سمت دهیاری این روستا بر عهده زنان می‌باشد؛ از مصاحبه و پرسشنامه استفاده شده است. بدین منظور پرسشنامه‌ای طراحی گویه‌هایی در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی تهیه شده که توسط افراد پاسخگو تکمیل شده است. در ادامه به تجزیه تحلیل توانمندی زنان در مدیریت اجرایی در این چهار بعد پرداخته شده است.

### ۵-۱- ویژگی‌های فردی پاسخگویان

همانطور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌کنید ۶۸/۸ درصد پاسخگویان مرد و ۴۵ درصد با گروه سنی ۱۸-۲۵ سال بیشترین پاسخگویان را شامل می‌شوند. و نیز با توجه به جدول شماره ۳ بیشترین سواد پاسخگویان ابتدایی با ۳۷/۵ درصد را شامل می‌شود.

جدول شماره ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنس	تعداد افراد پاسخگو	درصد
مرد	۵۵	۶۸/۸
زن	۲۵	۳۱/۳
مجموع	۸۰	٪۱۰۰

منبع: محاثبات تحقیق<sup>۲</sup>

جدول شماره ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب سن

سن	تعداد افراد پاسخگو	درصد
۱۸-۲۵	۳۶	۴۵
۲۵-۳۰	۱۶	۲۰
۳۰-۴۰	۱۳	۱۶/۳
۴۰-۵۰	۵	۳/۶
۵۰-۶۰	۷	۸/۸
۶۰-۸۰	۳	۳/۸
مجموع	۸۰	۱۰۰

جدول شماره ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب سطح تحصیلات

سطح سواد	تعداد افراد پاسخگو	درصد
بی سواد	۸	۱۰
خواندن نوشتن	۶	۷/۵
ابتدایی	۳۰	۳۷/۵
راهنمایی	۱۵	۱۸/۸
متوسطه	۶	۷/۵
فوق دیپلم	۸	۱۰
لیسانس و بالاتر	۷	۸/۸
مجموع	۸۰	۱۰۰

دیگر جداول نیز نتیجه محاثبات تحقیق می باشد

## ۲-۵- توانمندی مدیریت اجرایی (دهیار) روستا، در بعد اقتصادی

یکی از مهم ترین دلایلی که در مهاجرت روستاییان به شهرها و شهرکها تأثیر عمیقی داشته است، نبود رونق اقتصادی در روستاها و در نتیجه کمبود فرصت‌های شغلی در روستا و بالطبع بیکاری افراد جوای کار است. بنابراین ضروری است که دهیار به عنوان مدیر اجرایی روستا با همکاری شورا در حد توان تلاش خود را در جلب سرمایه های بخش خصوصی به کارگیرند و کلیه تسهیلات لازم را در حد توان برای آنها فراهم آورند تا از این طریق علاوه بر فراهم کردن زمینه رونق اقتصادی، فرصت‌های شغلی بیشتری را برای روستاییان فراهم سازند. در همین ارتباط به منظور بررسی توانمندی دهیار در بعد اقتصادی از سئوالات ایجاد اشتغال و گسترش صنایع شده بود که بر اساس جامعه نمونه که در جدول ۴ درج شده است، متوسط رضایت مردم در این متغیر ۴/۲۴ و بین کم تا خیلی کم قرار دارد. که نشان دهنده عملکرد متوسط به پایین دهیار در این گویه می باشد. از دیگر سئوالات در رابطه با عملکرد دهیار در بعد اقتصادی، همکاری با کشاورزان برای بازاریابی محصولاتشان می باشد که متوسط پاسخ دهندگان با میانگین ۳/۵۵ به طورتا حدودی کم رضایت خود را از دهیار در این گویه اعلام کرده‌اند. از دیگر سئوالات پرسیده شده در این بعد افزایش کمی و کیفی تولیدات روستایی می‌باشد همانطور که در جدول ۴ نشان داده شده است متوسط پاسخگویان نمره ۳/۸۲ به این گویه داده اند. نتایج آمار توصیفی در بعد اقتصادی نشان دهنده عملکرد متوسط به پایین دهیار در این بعد می باشد.

جدول شماره ۴: گویه های مربوط به توانمندی دهیار در بعد اقتصادی

گویه	میانگین	میانه	انحراف معیار
ایجاد اشتغال و گسترش صنایع تولیدی	۲/۲۴	۲	۰/۸۸
همکاری با کشاورزان برای بازاریابی محصولاتشان	۲/۵۵	۲	۰/۹۸
افزایش کمی و کیفی تولیدات روستایی	۲/۸۲	۳	۰/۸۸

## ۳-۵ توانایی مدیریت اجرایی روستا در بعد اجتماعی

امروزه ویژگی های اجتماعی- فرهنگی روستاییان بر اثر فرایندهای فضایی از جمله گسترش ارتباطات و... همواره در حال تغییر و تحول می‌باشد. این تحولات و راه‌های کنترل آنها در راستای توسعه باید مدنظر مدیران روستا قرار گیرد، چرا که عدم توجه به ویژگی های اجتماعی- فرهنگی روستاها و تلاش برای بهبود ارتقای آن بروز دامنه وسیعی از مشکلات اجتماعی را به همراه خواهد داشت، کاهش رفاه اجتماعی، کمبود یا نبود مؤسسات اجتماعی یا مدنی، عدم دسترسی به آموزش، گسترش فقر و در نهایت افزایش مهاجرت و رکود روستاها از نتایج عدم توجه مدیریت نوین روستایی (شورا و دهیار) به توسعه فرهنگی و اجتماعی مناطق روستایی می‌باشد. بدین منظور بهبود و اصلاح رفاه اجتماعی گامی اساسی در جهت کاهش آسیب پذیری روستاییان محسوب می‌شود. بنابراین جهت پی بردن به میزان موفقیت و توانایی دهیار در نقشی که در بعد اجتماعی دارند از گویه های زیر استفاده شده است. رضایت پاسخگویان نمونه جامعه از گویه های حل اختلاف دعاوی مردم و معرفی خانواده های بی بضاعت به کمیته امداد با میانگین ۳/۳۰ به طور متوسط می‌باشد. در گویه های رضایت کل از عملکرد دهیار، میزان هماهنگی با شورا و جلب مشارکت اهالی در امر جمع آوری زباله به ترتیب با میانگین ۴/۵۹، ۴/۹۳/۸۶، ۴/۴ به طور خوب می باشد. در مجموع با توجه به مصاحبه ها و پرسشنامه تکمیل شده حاکی از آن است که توانمندی دهیار در بعد اجتماعی خوب می‌باشد. و مردم از عملکرد آن راضی می باشند.



جدول شماره ۵: گویه های مربوط به توانمندی دهیار در بعد اجتماعی

گویه	میانگین	میان	انحراف معیار
حل اختلاف و دعاوی مردم	۳	۳	۰/۹۹
معرفی خانواده های بی بضاعت به کمیته امداد	۳/۳۰	۳	۰/۹۴
میزان دعوت از مردم در شرکت در جلسات	۳/۷۹	۴	۰/۵۰
امداد رسانی به روستاییان در مواقع بحرانی	۳/۵۵	۴	۱/۱۶
میزان مهارت، تخصص و سطح سواد شورا و دهیار	۴/۲۵	۴	۱/۱۶
میزان توجه برای حل مشکلات و انجام سریع کارها	۴/۷	۴	۰/۸۸
جلب مشارکت اهالی در امر جمع آوری زباله	۴/۹۳	۴	۰/۵۶
تسهیل فرایند همکاری با سازمان های دولتی	۴/۰۹	۴	۰/۵۰
مشارکت در زمینه های مختلف عمرانی	۴/۱۷	۴	۱/۱۴
میزان هماهنگی با شورا	۴/۸۶	۴	۱/۱۴
میزان رضایت کل از عملکرد دهیار	۴/۵۹	۴	۰/۵۰

#### ۵-۴ توانایی مدیریت اجرایی روستا در بعد محیطی

به منظور ارزیابی توانمندی دهیار در بعد محیطی با توجه به وظایف محول شده به آن از ۶ گویه که در جدول ۶ آورده شده، استفاده شده است. همانطور که در جدول مشاهده می شود گویه دسترسی به آب سالم با میانگین ۵ از رضایت بسیار زیاد، و دیگر گویه ها نیز به طور میانگین خوب می باشد که نشان دهنده توانمندی و رضایت از دهیار در بعد محیطی می باشد.

جدول شماره ۶: گویه های مربوط به توانمندی دهیار در بعد محیطی

گویه	میانگین	میان	انحراف معیار
حفظ سلامت و بهداشت محیط روستا	۳/۲۶	۳	۱/۱۶
جلوگیری از فرسایش خاک و نگهداری از مراتع	۴/۷	۴	۱/۱۶
دسترسی به آب سالم	۵	۴	۰/۸۸
نصب سطل زباله در روستا و دفع بهداشتی زباله	۴/۰۹	۴	۰/۵۶
جمع آوری سیستم بهداشتی دفع فاضلاب	۴/۱۷	۴	۰/۵۰
پاکیزگی محیط و منظر روستا	۴/۸۶	۴	۱/۱۴

#### ۵-۵ توانایی مدیریت اجرایی روستا در بعد کالبدی

دهیار می تواند با توجه به مأموریت و وظایف محول شده به آن در تهیه طرح های هادی روستایی و ضوابط و مقررات ساخت و ساز مشارکت کرده و از این طریق به بهبود وضعیت کالبدی- فیزیکی روستا کمک کند. از اینرو در این پژوهش میزان اثرگذاری مدیریت نوین روستایی با توجه به نقش و وظایف محول شده به آنها در جهت تحقق و بهبود وضعیت کالبدی- فیزیکی مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته است. به طوری که مردم اذعان داشتن تلاشهای دهیار برای زیبا سازی و اجرای طرح هادی قابل تقدیر می باشد و جنسیت و زن بودن هیچ مانعی برای پیگیری و جلب مشارکت مردم در اجرایی طرح

هادی نداشته است. طبق گفته مردم روستا با دوندگی دهیار فاز ۲ طرح هادی در این روستا اجرا گردیده است. با توجه به شاخصهای آورده شده در جدول ۷ مردم به طور متوسط تا خوب از عملکرد دهیار در گویه های اصلاح و توسعه شبکه معابر روستا، تهیه و اجرای طرح هادی و ساماندهی گورستان ها می باشند.

جدول شماره ۷: گویه های مربوط به توانمندی دهیار در بعد کالبدی

گویه	میانگین	میان	انحراف معیار
اصلاح و توسعه شبکه معابر روستا	۴/۲۶	۴	۰/۹۸
تهیه و اجرای طرح هادی	۴/۸۴	۴	۰/۹۸
ساماندهی گورستانها	۴/۰۷	۴	۱/۵۰
نظارت بر ساخت راه و تعریض معابر	۳/۵۵	۳	۱/۲۰
نظارت بر ساخت و ساز مسکن روستایی	۳/۵۶	۳	۱/۵۰

### نتیجه گیری

همانطور که در مقدمه و مبانی نظری پژوهش آورده شده است. از محورهای اساسی در تحلیل مسائل روستایی، توجه به ساختار مدیریت در این جوامع است روستا کوچکترین واحد سیاسی و اجتماعی در تقسیمات کشوری محسوب می شود و بدیهی است این واحد اجتماعی (روستا) به لحاظ وجود مناسبات اجتماعی، اقتصادی و پایبند بودن افراد به قوانین عرفی و مدنی نمی تواند از تشکیلات سازمان مدیریتی بی نیاز باشد از این رو، یکی از محورهای اساسی در تحلیل مسائل روستایی، توجه به ساختار مدیریت در این جوامع است. برطبق چارچوب نظری تحقیق به دنبال انتقاداتی که در رابطه با تبعیض بر ضد زنان و جایگاه آنان داشتند؛ زنان به عنوان نیروهای فعال اقتصادی مطرح شدند و در مطالعات مختلف، حلقه‌ی اتصال زنان با توسعه راه، فرایندی به نام توانمندسازی زنان دانسته‌اند.

حضور و توانمندی زنان نیز در عرصه مدیریت محلی حتی در محیط های کوچک روستایی نیز به چشم می خورد. به طوری که بر طبق یافته هایی تحقیق مردم روستا به مدیر اجرایی خود اعتماد و رضایت داشته و دهیار را به عنوان شخصی که باعث پیشرفت روستا شده است می ستایند به طوری که از سال ۱۳۸۴ تا کنون سمت مدیریت اجرایی روستا به دست زنان توانمند اجرا می شود. علی رغم کم و کاستی ها و ضعف هایی که دهیار در بعضی ابعاد داشته از جمله در بعد اقتصادی که بر طبق گفته های پاسخگویان عملکرد متوسط به پایین در زمینه ۱- ایجاد اشتغال و گسترش صنایع تولیدی ۲- همکاری با کشاورزان برای بازاریابی محصولاتشان ۳- افزایش کمی و کیفی تولیدات روستایی داشته است. در بعد اجتماعی، محیطی و کالبدی دارای توانمندی های قابل قبولی بوده است به طوری که رضایت پاسخگویان نمونه جامعه از گویه های حل اختلاف دعاوی مردم و معرفی خانواده های بی بضاعت به کمیته امداد با میانگین ۳/۳۰ به طور متوسط می باشد. در گویه های رضایت کل از عملکرد دهیار، میزان هماهنگی با شورا و جلب مشارکت اهالی در امر جمع آوری زباله به ترتیب با میانگین ۴/۵۹، ۴/۹۳، ۴/۸۶ به طور خوب می باشد. گویه دسترسی به آب سالم با میانگین ۵ از رضایت بسیار زیاد، و دیگر گویه ها نیز به طور میانگین خوب می باشد که نشان دهنده توانمندی و رضایت از دهیار در بعد محیطی می باشد. به طوری که مردم اذعان داشتن تلاشهای دهیار برای زیبا سازی و اجرای طرح هادی قابل تقدیر می باشد و جنسیت و زن بودن هیچ مانعی برای پیگیری و جلب مشارکت مردم در اجرایی طرح هادی نداشته است. طبق گفته مردم روستا با تلاش های دهیار فاز ۲ طرح هادی در

این روستا اجرا گردیده است. و این نشان دهنده توانمندی بالای دهیار در بعد کالبدی می‌باشد به طوری که دهیار در سال ۱۳۸۷ به عنوان دهیار نمونه در سطح شهرستان معرفی گردید.

## منابع

- ۱- شاهکوهی، علیرضا؛ خوش فر، غلامرضا و کریمی، لیلا. (۱۳۹۱). نقش گردشگری در توانمندسازی زنان روستایی (مورد مطالعه: روستای زیارت شهرستان گرگان). فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۱ (۳)، صص ۹۵-۱۱۴.
- ۲- بی‌نا، (۱۳۸۳). زنان و مسائل جنسیتی در برنامه چهارم. ریحانه. دوره ۲، شماره ۷.
- ۳- لانگه. (۱۳۸۲). معیارهائی برای تواناسازی زنان: نقش زنان در توسعه. تهران: نشر روشنگران.
- ۴- احمدی، سمیه؛ صلاحی مقدم، نفیسه. (۱۳۹۲). گردشگری روستایی فرصتی برای توانمند سازی زنان روستایی، اولین همایش ملی مدیریت گردشگری، طبیعت گردی و جغرافیا، همدان.
- ۵- شادی طلب، ژاله؛ خانجانی نژاد، لیلا. نگرش روستاییان به توانایی‌های زنان در مدیریت اجرایی روستا (مطالعه موردی روستاهای پلنکه و بالاکیاده شهرستان لنگرود)، مجله پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره ۴، صص ۱۲۹-۱۵۴.
- ۶- شادی طلب، ژاله. (۱۳۷۵). دیدگاه مردان روستایی نسبت به کار زنان، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۸، صص ۸۹-۸۱.
- ۷- شادی طلب، ژاله. (۱۳۷۷). مدیریت زنان؛ ضرورت تغییر رفتار در نقش مدیریت، مجموعه مقالات همایش جامعه‌شناسی و مدیریت، سازمان مدیریت صنعتی، تهران، صص ۲۹۱-۲۷۴.
- ۸- آبوت، پاملا و کلر و لاس. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی زنان. ترجمه: منیژه نجم عراقی، نشر نی، تهران.
- ۹- ایمانی جاجرمی، حسین؛ کریمی، علیرضا. (۱۳۸۸). چالش‌های اجتماعی شوراهاى اسلامی در مدیریت محلی، مجله توسعه روستایی، شماره ۱، صص ۱۲۸-۸۹.
- ۱۰- بگ رضایی، پرویز. (۱۳۸۶). بررسی جامعه‌شناختی موانع دستیابی زنان به پست‌های مدیریتی از نظر زنان شاغل در آموزش و پرورش شهرستان ایلام. مجموعه مقالات همایش ملی زنان و چالش‌های پیش رو، نشر برگ آذین، ایلام، صص ۱۴۸-۱۲۷.
- ۱۱- زاهدی، شمس‌السادات. (۱۳۸۷). زنان در عرصه مدیریت، نشر مرکز دانشگاهی، تهران.
- ۱۲- سازمان دهیاری‌های کشور، دفتر مطالعات روستایی. (۱۳۹۳). مصاحبه با کارشناس امور دهیاری‌ها.
- ۱۳- سروش مهر، هما؛ حامد رفیعی، خلیل رفیعی و حسین شعبانعلی فمی. (۱۳۸۹). بررسی پایگاه اقتصادی اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره اول صص ۱۶۵-۱۴۳.
- ۱۴- گودرزی، فریبا. (۱۳۸۵). بررسی میزان مشارکت زنان عضو شورای اسلامی روستایی در مدیریت مربوط به روستا و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ۱۵- میرغفوری، حبیب‌الله. (۱۳۸۵). شناسایی و رتبه‌بندی عامل‌های مؤثر در گماشته‌شدن زنان به پست‌های مدیریتی (در سازمان‌های دولتی استان یزد)، فصلنامه زنان دانشگاه الزهراء، سال ۴، شماره ۱، صص ۱۲۲-۱۰۱.
- ۱۶- مهدوی، مسعود؛ نجفی کانی، علی اکبر. (۱۳۸۴). دهیاری‌ها تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران، نمونه موردی دهیاری‌های استان آذربایجان غربی، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳.
- ۱۷- مشیری، رحیم؛ مهدوی، مسعود و علیایی، محمد صادق. (۱۳۸۸). بررسی نقش سواد و نیروی کار زنان در درآمد خانوار روستایی (مطالعه موردی زنان روستایی دیواندره استان کردستان). فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۷ (۱۴)، صص ۸۲-۶۹.
- ۱۸- سعدی، حشمت‌اله؛ شعبانعلی فمی، حسین و لطیفی، سمیه. (۱۳۹۱). سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۱۰ (۲)، صص ۱۰۷-۱۰۷.
- ۱۹- وزارت کشور (۱۳۸۵) سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، دفتر آموزش مطالعات کاربردی، آشنایی با وظایف، تشکیلات و جایگاه دهیاری‌ها.

۲۰- طالب، مهدی؛ بخشی زاده، حسن و میرزایی، حسین. (۱۳۸۷). مبانی نظری مشارکت اجتماع روستایی در برنامه ریزی

گردشگری روستایی در ایران

21- Bansal, S.P and Kumar, J. (2011). *Women Empowerment and Self-sustainability through Tourism: A case Study of Self-employed Women in Handicraft Sector in Kullu Valley of Himachal Pradesh. Himachal Pradesh University Journal*, 1-11.

22- Farhangi, A. & Esfidani M.R., 2004, *Iranian Women in Management Careers, Journal of Women's Research*, 1 (1), PP. 109-117.

23- Manger, (2003), *Empowerment Approaches Gender Based Vidence: Womens studies international forum. Vol1 ,no 6,pp:509-523.*

#### Abstrac

*With the amendment of the tasks, the organization and the Islamic Council elections in 1382, a new executive experience in the field of Rural Management was formed which was launched Dhyaryha. In addition to the two which established the village council passed the legislature and rural development programs, executive management of village affairs has been responsible Dhyaryha Formally, the nation's first rural women through their participation in village councils in rural management. Undoubtedly, the actual participation of women in improving their capabilities and empowering women to attend its introduction during development. The purpose of this article, which is part of a wider research information provided, focused on identifying and assessing the ability of rural women in executive management According to the two which results in social, environmental, and physical ability reasonably have been so satisfied with a community sample of respondents overall satisfaction items of the two which, in coordination with the Council and the residents' participation in Amrjm garbage in order to Average 4/59, 4/86,4/93 is good. People acknowledge the efforts of the two which is appreciated for the beautiful and implementation plan of any impediment to the pursuit of gender and women's participation in the action plan have been.*

*Key words: two which, empowerment, women, executive management, city Torbat.*